

غزلها کار می گیرند

محمد خاوری و واقعی یک دامپزشک

دکتر فریا مکاری

سرنامه	مکارمی، فریبا، ۱۳۳۵ -
عنوان و نام پدیدآور	غازها گاز می گیرند: مجموعه خاطرات واقعی / نویسنده: فریبا مکارمی.
مشخصات نشر	شیراز: تخت جمشید: قشقای، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	۱۰۴ص.
شابک	978-600-283-066-1
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	مکارمی، فریبا، ۱۳۳۵ - -- خاطرات
موضوع	داستان های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴
زبان ی کنگره	۸۳۶۱ PIR ۱۳۹۲ غ ی /
رده بندی دیوید	۸۵۳/۶۲
شماره کتابخانه ملی	۳۲۷۰۳۰۳



غازها گاز می گیرند

مجموعه خاطرات واقعی یک نویسنده



نویسنده: دکتر فریبا مکارمی □ اش: تخت جمشید □ ناشر همکار: قشقای

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۲ □ یک ۹۷۸-۶۰۰-۲۸۳-۰۶۶-۱

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد □ چاپ و صفحه: ۱۰۴

صفحه آرا: مریم رعیتی □ طرح جلد: مریم شجاعی فر

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای نویسنده محفوظ است

مرکز نشر شیراز، خیابان پیروزی، انتشارات تخت جمشید، تلفن: ۰۷۱-۳۴۵۴۰۱

Web Site: www.shiraznasher.com

E-mail: nashershiraz@yahoo.com

ارتباط با نویسنده:

E-mail: F.makaremi@yahoo.com

Web Site: 1dampezeshk.blogfa.com

Mobile: 09171079814

فهرست مطالب

۶		س گفتار
۹		مقدمه
۱۱		شیر ماده
۱۸		بابا فانی، مرغدار نه
۲۶		گلی جار؛ زن پیشگو
۳۲		شترهای خلاقکار
۳۷		عشق مادری
۵۰		گاوی در گاوداری نبود!
۵۶		گریه ملوس یا خواهر زن!
۶۱		مکارم خوش آمد
۶۶		بز سیاه
۷۰		زنی که با گاوها حرف می‌زد
۷۸		چه پزشک خبره‌ای!
۸۴		تصادفی که جغد را شوم کرد!
۹۲		غازها گاز می‌گیرند

پیش گفتار

کتابی که در پیش روی شماست به آینه می ماند. در این نوشته ی کوتاه تلاش دارم تا شما را به نگرش عمیق تر در این آینه فرا خوانم و چرایی این ادعا را بشکافم.

آدمی در چند سال به دست زندگی خود در دامن خانواده، نظام ارزشی خویش را می سازد. او محصول فرهنگ جامعه ی خویش است و آنچه او را توانمند می نماید، مجموعه ی اتفاقات، پیش آم ها، شنیده ها و گفته هایی است که از نیاکانش به او رسیده است.

نویسنده در این آینه با پاکی روان خویش آن را در ناخود آگاه خود دارد به زیبایی تجربه کرده است و با پاکی و سادگی به ایرانی سخن می گوید.

تکه های خودمانی و از دل برخاسته، بر دل می نشیند. فرسوش نکنیم که در فرهنگ ایرانی ما دل را آینه نامیده اند. آینه ای که در آبی توانش نیازها، آرزوها، خواسته ها و تبلور نگرش هر فرد را دید. سخن دل سخن است که از درون می آید. حافظ بزرگوار در بیش از ششصد شعر خود به نقش دل چون آینه ی درون یاد می کند.

در اندرون من خسته دل ندانم کیست
که من خموشم و او در فغان و در غوغاست

در این نوشته‌ها کلام آزاد است؛ نه قصه است، نه روایت، نه متنی فرهنگی یا ادبی. دل‌نوشته است، همچون آئینه که در هیچ قابی نمی‌گنجد بلکه شکل عوض می‌کند و همه‌ی تلاشش در آن است که به خود جلای بیش‌تری بدهد تا من و شما را به اندیشه وادارد.

این نوشته‌ها برگرفته از زندگی روزمره است. از شادی‌های بزرگ تا دردهای کوچک، از خصیصه‌های فردی تا ویژگی‌های اجتماعی از خانه و خانواده تا رستنا و شهر، از محیط اداری تا مدرسه و دانشگاه و بازار و مغازه و کارگاه، چون آئینه‌ای که صبح تا شام، گاه و بی‌گاه در آن می‌نگریم.

این نوشته‌ها کم‌الیه شهادت از قضاوت خالی‌اند. درس‌ها و نکته‌ها و انتقادهای همه را در صواب و بد و نصیحت‌ها و آموختنی‌ها را به عهده خود من و شما می‌گذارم. درس‌ها همچون آئینه.

گویی حافظ به مدد می‌آید. آنچه در دل می‌گذرد را با شیواترین و رساترین سخن بگوید:

من این حرف نوشتم چنان‌که غیر ندانست / تو هم به رسم کرامت چنان بخوان که تو دانی

راحتان کنم، این کتاب را با چشم دل بخوانید

مولانا می‌فرماید:

چشم دل بگشا و در جان‌ها نگر / چون پیامد چو باد و چون می‌رود

دکتر حسین حسینی

پاریس - ۱۳۹۲ خورشیدی

در اواخر سال ۶۱ هنوز از پایان نامه‌ی دکترای دامپزشکی‌ام دفاع نکرده بودم که به علنی اشتباه وافر به خدمت کردن با عنوان مسؤول فنی آزمایشگاه میکروبیولوژی در صنایع غذایی مجتمع صنعتی گوشت فارس استخدام شدم و به مدت سال تا پیش از سال ۶۵ در آنجا مشغول کار بودم.

بعد از چند ماه وقفه در تهران ۶۶ سال ۶۶ در اداره‌ی دامپزشکی شهرستان زرقان^۱ استان فارس به عنوان کارشناس سل و بروسلوز^۲ استخدام شدم. در این اداره با پنج نفر از تکنسین‌های دامپزشکی همکار بودم. رئیس اداره که او را «آقای بزرگ» می‌نامیدیم، مردی میل‌سال، بسیار مؤدب و مورد احترام همه‌ی ما بود. معمولاً از اداره برای مأموریت خارج نمی‌شد و هماهنگی‌های داخل اداره را انجام می‌داد. نفر دیگر، آقا سید سرمد، به هم‌مهربان بود که رانندگی ماشین اداره را نیز به عهده داشت. نفر سوم آقا مالت همکار من در تست سل و بروسلوز بود که جوان‌تر از بقیه بود و در بالین می‌لاشه در

^۱ زرقان: این شهر در ۲۵ کیلومتری شمال شرقی شیراز واقع شده است. نام زرقان در زبان پهلوی زرغون به معنی جای سرسبز است.

^۲ سل و بروسلوز: دو بیماری مشترک بین انسان و دام می‌باشد که سل گاویی از گاو به انسان قابل سرایت است و بروسلوز یا تب مالت نیز از گاو، گوسفند و بز به انسان قابل سرایت است.

کشتارگاه زرقان را نیز انجام می‌داد. هم‌زمان یک روز در هفته مأمور اداره دامپزشکی در صدا سیمای مرکز فارس بودم و در ضبط برنامه‌های «صدای روستا» همکاری داشتم. برای ضبط این برنامه‌ها به شهرستان‌های استان فارس مسافرت می‌کردیم. در این سفرها تهیه‌کننده و گزارشگر از سازمان صدا و سیما حضور داشتند. تهیه‌کننده مردی بسیار جدی و کاربلد بود. گزارشگر رادیو صدای زیبا و پرهیجانی داشت و بر کارش مسلط بود. بیشترین طرقات کاری‌ام مربوط به همین دوره است. تا سال ۷۰ در اداره دامپزشکی زرقان خدمت کردم.

در سال‌های ۷۱ و ۷۲ به مدت دو سال مسئولیت فنی داروخانه دامپزشکی در شیراز را بر عهده گرفتم و در همین زمان به شکل نیمه‌وقت با دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز همکاری می‌کردم که بعدها به علت علاقه‌ام به تدریس به شکل تمام‌وقت به مدت ۲۰ سال تا زمان بازنشستگی‌ام با این دانشگاه همکاری کردم. در سال ۸۰ با درخواست خودم بازنشسته شدم. خاطراتی که مطالعه می‌نمایید واقعه‌ای است که ۲۸ سال خدمت من است. این خاطرات را بارها در سر کلاس‌های درس برای دانشجویانم تعریف کرده‌ام. به تشویق اطرافیانم آن‌ها را به صورت داستانی کوتاه تهیه نموده‌ام. امیدوارم از خواندن آن‌ها لذت ببرید.

با تشکر

دکتر زیبا مکاری

شیراز- ۱۳۹۲

^۱ ارسنجان: از شهرستان‌های استان فارس که از جنوب به شیراز محدود می‌شود. مرکز این شهرستان ارسنجان می‌باشد. این شهرستان زیبا دارای گذشته‌ی دیرین است. باستان‌شناسان تاریخچه آن را به قبل از ظهور اسلام یا حتی ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح دانستند.